



معملاً



آیت الله جوادی آملی

ابرار و مقر بین در قرآن

در کتابی، مثل حسابهای روز، که دفترهای جزئی در دفترهای کلی ثبت است از نظر وجود کسی، اینها هم کتابهای تکوینی دارند که بعضی محیط است به بعضی دیگر. "ویل یومئذ للمکذبین، الذین" "یکذیبون بیوم الدین و ما یکذب" "به الا کل معتد انیم"

... تکذیب نمی کند روز قیامت را مگر انسان ستمگر و گناهکار که هر وقت آیات ما بر او تلاوت شود می گوید: اینها افسانه های پستینان است.

"کلا بل ران (۶) علی قلوبهم ما کانوا" "یکسون".

نه اینچنین نیست که اینها اسطوره باشد بلکه آنچه اینان کسب کرده اند، قلوبشان را جرکین نموده است.

خداوند گاهی از قیامت به عنوان "یوم عظیم" یاد می کند و گاهی بنام "یوم تغیل" روز سنگین معرفی می کند. "یوم یقوم الناس لرب العالمین" (۴) در آن روز همگان در برابر خدا از قسر بر می خیزند.

فجار و کتاب آنها

"کلا ان کتاب الفجار لفی سجون" (۵) اینچنین نیست که اگر آنها به غفلت پرداختند، مطلب هم امر جزئی باشد، بلکه کتاب فجار در سجون است. "و ما ادبک ما سجون؟" سجون چگونه کتابی است؟ "کتاب مرقوم" سجون کتابی است که رقم زده شده و نوشته است که کتابی

برای تحقق اهداف انبیا «ع» عاملی مهمتر از یاد معاد نیست، چون یاد معاد هم مسائل نظامی را حل می کند:

"و قالوا لا تنفروا فی الحر قل نار" "جهنم اشد حرا" (۱).

و هم مسائل اقتصادی را حل می کند:

"بسم الله الرحمن الرحیم، ویل"

"للمظفین، الذین اذا اکتالوا"

"علی الناس یتوفون، و اذا کالوهم"

"(۲) او وزنو هم یسخرن، الا یظن"

"اولئک انهم مبعوثون لیوم عظیم" (۳)

آیا اینها که کم می فروشند و زیاد می گیرند به فکر قیامت نیستند، در موقع گرفتگی استیفا می کنند ولی در موقع دادن کسم می دهند.

قلب چرکین معرفت ندارد، در نتیجه در روز قیامت به رویت الهی نمی‌رسد. امیرالمؤمنین (ع) بیانی از پیامبر (ص) نقل کرده که فرمود: "من در شگفتم! انسانی که شبانه روز پنج بار در چشمای که در منزل اوست شستو می‌کند، معذ لک چرا پاک نمی‌شود! منظور نماز است که حضرت آن را به چشمای زلال تشبیه کرده‌اند. اگر انسان چرک ورین قلب را شستو نکند چنین می‌شود که:

"کلا انهم عن ربهم يومئذ لمحجوبون" نه، آنها در آن روز، از دیدار پروردگارشان محجوب هستند. معلوم می‌شود که حجاب است و مانع از دیدن خدا می‌شود، گرچه در قیامت خدا را با چشم سرنمی‌توان دید چون:

"لا تدرکه الابصار و هو یدرک الابصار" و هو اللطیف الخبیر" (۷)

این آیه جز محکمت قرآن است، چه در دنیا و چه در آخرت خدا را با چشم سرنمی‌توان دید، اما آنچه علی (ع) فرمود: "ما کنت اعبد رباً لم اراه" عبادت نمی‌کنم خدائی را که ندیده‌ام، خود در جواب می‌فرماید:

"لا تدرکه الابصار بمشاهدة العیون" بل تدرکه القلوب بحقایق الایمان"

چشمها با مشاهدت او را درک نمی‌کنند بلکه دلها با حقایق ایمان او را درک می‌کنند آن اگر در دنیا نصیب انسان مو' من نشد در قیامت به مقدار درجه ایمانش نصیب او می‌گردد که با مشاهده، جان، خدارا می‌بیند ولی انسان عاصی چون گرفتار چرک و رین است از خدا محجوب است که بدترین عذاب است:

"ثم انهم لخالوا الجحیم ثم یقال" هذا الذی کنتم به تکذبون"

فرق بین ابرار و مقربین

"کلا ان کتاب الابرار لغی علیین" و ما ادریک ما علیین، کتاب"

"مرقوم یشده المقربون" (۸).

"سابقون" که در سوره واقع به مقربین تشبیه شدند، بالاترین درجه برای آنها است، ابرار، کتابشان در علیین است، علیین مقامی عظیم است که فرمود: علیین کتابی است که مقربین شاهد آن هستند، پس مقربین بالاتر از ابرارند که کتاب ابرار مشهود مقربین است، آنها می‌دانند که ابرار چه کرده‌اند، آنها شاهدند که در جان چه داشتند و در عمل چه کرده‌اند، پاداشی هم که به مقربین می‌دهند بالاتر از پاداشی است که به ابرار می‌دهند چون فرمود:

در قلب مقرب جز محبت الله نیست، نه اینکه محبوبی دارد غیر از خدا و آن را نشمارد مقدم الله می‌کند، و این غیر از ابرار است که به چیزی علاقه دارند و آن را در راه خدا صرف می‌کنند خواه آن چیز، جان باشد و خواه مال و فرزند و غیر آنها.

"ان الابرار لغی نعیم، علی الاراک" یظفرون تعرف فی وجوههم نصره لنعیم" ابرار غرق در نعمت هستند، بر سزوها و تختها نظر کریمانه دارند و در چهره‌های ایشان تازگی نعمت را مشاهده می‌کنی.

"یسقون من رحیق مختوم" آنها از شرابی سیراب می‌شوند که سر بسته و مهر شده است، مهرش چیست "خناسه مشک" سزش به مشک مهر شده است که دیگران راه ندارند، نه تنها آن شراب بوی مشک می‌دهد، و بوی آن از چندین فرسخ به مشام انسان می‌رسد بلکه خود رحیق نیز مختوم است.

تسنیم چیست؟

تسنیم چیست؟ تسنیم چشمه مرتفعی است که آن چشمای بالاترین است و مخصوص مقربین است "عینا یشرب بها المقربون" چشمای است که مقربین از آن می‌نوشند چشمه را به اهل بهشت معرفی می‌کند نمی‌گوید کجا می‌جوشد، چون چشمه‌ها بهشت تابع بهشتی است، نه بهشتی تابع چشمه است، مثل دنیا که هر کجا چشمه باشد انسان خیمه می‌زند، نه، در آنجا هر چه بهشتی بخواهد چشمه می‌جوشد، اگر ابرار چنین است که خالص را به مقربین و معزین را به ابرار می‌دهند بخاطر آن است که مقرب، خالص است و در قلب مقرب محبت الله نیست، نه اینکه محبوبی دارد غیر از خدا و آن را نثار مقدم الله می‌کند نه، اصلاً او اجازه نمی‌دهد که محبت غیر خدا در دلش جای گیرد.

مرحوم مجلسی در بحار نقل می‌کند شخصی از علی (ع) عرض حاجتی کرد حضرت به یکی از خدمتگزاران فرمود: اَعْطَا الْفَأْ، هزار واحد باین شخص بده. خدمتگزار رو کرد به امیرالمؤمنین (ع) عرض کرد شما که فرمودید: هزار واحد، آیا هزار متقال طلا یا هزار متقال نقره؟ در هم با دینار؟ فرمود: "كَلَاهُمَا عِنْدِي حَجْرَان"

“المتقون” (۱۳)

قرآن به تعبیر استاد علامه طباطبائی - (ره) کتاب تعلیم محض نیست، تعلیم و هدایت و نور است لذا در حین تشریح بر، بر را معرفی می کند، در تحلیل معنی نیکی نیکان را معرفی می کند که منظور دانستن بر نیست، بر شدن مراد است.

بر یکی از اسمای حسنی حق تعالی است “هو البر الرحیم” ابرارند که در سختیها و ناگواریها صبر می کنند (فی البأساء و الضراء و حین البأس)، کسی که به جبهه رفته و در سنگر نشسته است این صابر است فی البأساء و الضراء، آنوقت که حمله شروع می شود و در میدان است - که آن حال سنگین تر از حالات دیگر است - این می شود صابر حین البأس، اینها هستند که صادقند و اینها یاند که متقی اند.

“و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً”
“و یتیماً و اسیراً”

ضمیر حبه به الله برمی گردد، یعنی مقربین علی حبه الله اطعام می کنند چنان که فرمود:

“ما تطعمکم لوجه الله لا ترید”
“منکم جزاء و لا شکوراً”

مقرب، کافر حرمی را هم نایمیدنی کند چون دیدش دید الهی است.

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: عبادت من “خوفاً علی النار” نیست و “توقفاً الی الجنة” هم نیست “خفاً لله” است او جز مقربین است.

آن دید اینچنین است که افطاری خود را به کافر حرمی می دهد ولی ابرار به دوستان و نزدیکان و بستگان می پردازند.

در جوامع روایی ما درجات اهل بهشت را تبیین می کنند، می گویند: فاصله برخی از مقامها مثل فاصله زمین با ستارگان آسمان است و دارد که منزل مؤمن تمام اهل دنیا را جا می گیرد، این کدام مؤمن است و چه منزلی است؟

مرحوم ابن بابویه در کتاب امالی خود می گوید: وقتی مؤمن وارد بهشت می شود،

هم طلا سنگ است (منتهی زرد است) وهم نقره سنگ است (منتهی سفید). شرایطی ایجاد کرده که یکقدری زیر خاک مانده این زرد شده و آن سفید. “اعطه انفعهما بحاله” برای او هرچه نافع تر است همان را بده، این نه به آن معنی است که علی (ع) با سایر اهل بیت (ع) به چیزی غیر خدا محبت داشتند، آنگاه این محبوب را فدای الله کردند! نه، مقرب است که چشمه خالص از اوست چون کار او هم طبق این آیه است:

“الا لله الدین الخالص...” (۱۰)

و این غیر از ابرار است که به چیزی علاقه دارند و آن را در راه الله صرف میکنند یعنی ابرار به غیر خدا محبت دارند ولی محبوبشان را خواه جان، مال، عیال و هر چه باشد فدای الله می کنند.

“لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما”
“تحبون و ما تنفقوا من شیء فان”

“الله به علیم” (۱۱)
آنچه محبوب شماست در راه خدا انفاق کنید تا به مقام ابرار برسید. و در جای دیگر فرمود:

“لیس البر ان تولوا وجوهکم قبل
“المشرق و المغرب و لکن البر من
“امن بالله و الیوم الآخر و
“العلائق و الكتاب و النبیین و
“اتى المال علی حبه (۱۲) ذوی
“القربی و الیتامی و المساکین و
“ابن السبیل و السائلین و فی -
“المرقاب و اقام المصلوة و اتى
“الزکوة و الموفین بعهدهم اذا
“عاهدوا و الصابرين فی البأساء
“و الضراء و حین البأس اولئک
“الذین صدقوا و اولئک هم -

درب بهشت کوبه ای دارد از باقوت، اهل بهشت وقتی این کوبه را به سیناه درب می کوبند “طقت و قالت یا علی” طینین صدای کوبه یا علی است.

مرحوم استاد علامه طباطبائی (ره) هنگام درس، این حدیث را چنین معنی می کردند: انسان وقتی وارد خانقاه می شود، صاحب خانه را صدا می زند و استیدان می کند آنکه صاحب بهشت است و قسم الجنة است و بهشت را بر محور کار او تقسیم می کنند جز علی و اولاد او، کسی دیگر هست؟

“و سقاهم ربهم شراباً طهوراً” (۱۴)

مرحوم طبرسی (ره) در مجمع البیان از معصوم (ع) نقل می کند که شراباً طهوراً یعنی شراب بظهره عن ما سوی الله، هرچه محبت و مهر غیر خدا است از حرم امن دل مقربین شستنی می شود.

۱ - سوره توبه، آیه ۸۱

۲ - فرق بین کیل و اکتیال این است که اکتیال را در مورد خریدن کلی به کار می برند ولی کیل و وزن را در هنگام فروختن به کار می برند که فروشنده ای اجناس را قسمت قسمت می کند و می فروشد.

۳ - سوره تطفیف، آیات ۱ - ۵

۴ - سوره تطفیف، آیه ۶

۵ - سوره تطفیف، آیه ۷

۶ - ران از مادرین به معنای چرکاست

۷ - سوره انعام، آیه ۱۰۳

۸ - سوره تطفیف، آیات ۱۸ - ۲۱

۹ - تسنیم: سنام به برجستگی هایی که پاشیب همراه است گفته می شود. علو در مکان دو قسم است ۱ - علو تسنیمی ۲ - علو تسریعی. تسریعی مثل اینکسه می گویند: این صندوق بالاتر از این مکان است که انسان مستقیم از آنجا به پاشیب می افتد، اما در دشتها و تپه ها که پاشیب نرمی همراه است آن را می گویند: علو تسنیمی.

۱۰ - سوره زمر، آیه ۳

۱۱ - سوره آل عمران، آیه ۹۲

۱۲ - صبر حبه احتمال دارد به الله بر گردد، و نباید گفت حتماً به مال برمی گردد چون اقرب است، بلکه از خدا ترندیکتر هیچ نیست.

۱۳ - سوره بقره، آیه ۱۷۷

۱۴ - سوره دهر، آیه ۲۱